



Studies on Israel - US
Vol 24. No 1. Spring 2023
Received date: 2022.12.19
Acceptance date: 2023.02.25



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: www.cmess.sinaweb.net

Strategic review of Israel's situation: focusing on the relationship with America

Masoomeh Taghizadeh¹



Abstract

The main question of this article is about the prospects and elements of Israel's future relations with the United States. The United States of America and Israel have had close defense, political and economic relations for many decades. Americans consider Israel's security when making regional policy decisions, and Israel relies on America for its defense status. Although sometimes there is a difference of opinion between the officials of the two sides regarding the prioritization of security challenges and how to solve them. The United States Congress actively monitors how the executive branch of the country interacts with Israel, as several members of Congress have repeatedly criticized Barack Obama for not providing enough support to Israel. America's approach to some of the challenges in the Middle East region is of vital importance for Israel and the future of bilateral relations; including the capacity of the Islamic Republic of Iran to expand nuclear weapons, the emergence of Islamic political movements by terrorist groups in the region, the issue of the peace agreement between Israel and the Palestine Liberation Organization, which is related to many issues such as how to determine borders, Jewish settlements and Palestinian immigrants.

Keywords: Strategy, Israel, Security Crisis, Identity Crisis, Economic Crisis, Racial Discrimination.

¹ Studied International Relations, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای؛ آمریکاشناسی - اسرائیل‌شناسی

دوره ۲۴، شماره ۱، بهار ۱۴۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۶

Home page: www.cmess.sinaweb.net

نوع مقاله: علمی

بررسی راهبردی وضعیت اسرائیل: با تمرکز بر رابطه با آمریکا

معصومه تقی‌زاده^۱



چکیده

سوال اصلی این مقاله در باب چشم‌انداز و مقوم‌های مناسبات آتی اسرائیل با ایالات متحده است. ایالات متحده آمریکا و اسرائیل طی دهه‌های متمادی روابط دفاعی، سیاسی و اقتصادی نزدیکی با یکدیگر داشته‌اند. آمریکایی‌ها هنگام تصمیم‌گیری در مورد سیاست منطقه، امنیت اسرائیل را مدنظر قرار می‌دهند و اسرائیل در وضعیت دفاعی خود متکی به آمریکاست. اگرچه گاه از اختلاف نظر مقامات دو طرف در مورد اولویت بندی چالش‌های امنیتی و چگونگی رفع آنها سخن به میان می‌آید. کنگره ایالات متحده نظارت فعالی بر چگونگی تعامل قوه اجرایی این کشور با اسرائیل دارد، همچنان که تعدادی از اعضای کنگره بارها از باراک اوباما به دلیل عدم حمایت کافی از اسرائیل انتقاد کرده‌اند.

رویکرد آمریکا به بخشی از چالش‌های موجود در منطقه خاورمیانه برای اسرائیل و آینده روابط دو جانبه اهمیت حیاتی دارد؛ از جمله ظرفیت جمهوری اسلامی ایران برای گسترش سلاح‌های هسته‌ای، ظهور حرکت‌های سیاسی اسلامی توسط گروه‌های تروریستی در منطقه، موضوع توافق صلح اسرائیل و سازمان آزادی‌بخش فلسطین که به مسائل متعددی همچون چگونگی تعیین مرزها، شهرک‌های یهودی‌نشین، مهاجران فلسطینی و تعیین وضعیت بیت‌المقدس گره خورده است.

واژگان کلیدی: استراتژی، اسرائیل، بحران امنیتی، بحران هویت، بحران اقتصادی، تبعیض نژادی.

اگرچه در نخستین کنگره صهیونیسم ایده استقرار یهودیان در سرزمین مقدس یعنی فلسطین مطرح شده بود، اما در سال ۱۹۱۷ در خلال جنگ جهانی اول بود که دولت بریتانیا با صدور اعلامیه بالفور از تاسیس یک سرزمین ملی برای یهودیان در فلسطین حمایت کرد. بعد از پایان جنگ نیز فلسطین تحت قیمومت بریتانیا قرار گرفت و در این دوران یهودیان زیادی به این سرزمین مهاجرت کردند. پس از جنگ جهانی دوم با وقوع هولوکاست، تقاضا برای داشتن یک سرزمین برای یهودیان تبدیل به یک ضرورت شد و در سال ۱۹۴۷ مجمع عمومی سازمان ملل طرح تقسیم فلسطین به دو دولت یهود و عرب را داد و یادآور شد که بیت‌المقدس و مناطق اطراف آن تحت قیمومت سازمان ملل قرار گیرد؛ در حالی که یهودیان از این طرح استقبال کردند، کشورهای عربی و اتحادیه عرب آن را رد نمودند. در نهایت با پایان قیمومت بریتانیا بر این سرزمین، دولت اسرائیل اعلام موجودیت و استقلال کرد و این آغازی بر منازعات بین دولت‌های عربی و اسرائیل شد که مهم‌ترین آنها در سال‌های ۱۹۵۶، ۱۹۶۷، ۱۹۷۳ و ۱۹۸۲ اتفاق افتاد. در سال ۱۹۷۹ اسرائیل با اعراب منطقه به توافق صلح رسید که با پیمان صلح دیگری با اردن در سال ۱۹۹۴ تداوم یافت و به این ترتیب احتمال وقوع جنگ‌های چندجانبه کاهش پیدا کرد. البته تهدید اساسی برای امنیت اسرائیل، از سوی ایران و گروه‌های متحد با آن بود. ضمن اینکه تحولات کشورهای عربی و تخاصم بین اسرائیل و فلسطینیان، موقعیت منطقه‌ای آن را پیچیده‌تر می‌کرد.

نمایه جمعیتی اسرائیل به گونه‌ای است که سامان سیاسی و اجتماعی آن را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد. تحولات جمعیتی می‌تواند این نکته را روشن کند که چرا جمعیت یهودی اخیر اسرائیل نسبت به نسل پیش بسیار ملی‌گراتر، از نظر مذهبی محافظه‌کار و در سیاست خارجی و امنیتی جنگ‌طلب شده است. تجربه نظامی شهروندان یهودی اسرائیل و بسیج مداوم جمعیت یهودیان اسرائیل را از دیگر نسل‌های آن در اروپا و آمریکای شمالی متمایز کرده است. ضمن اینکه عامل موقعیت جمعیت و تجربه تاریخی منحصربه‌فرد اسرائیل نیز در این میان موثر است. با این حال، رهبران اسرائیل و بخش عمده‌ای از جامعه مدنی آن بر تعهدات خود به ارتباطات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با ایالات متحده و جهان غرب تاکید می‌کند. از سوی دیگر بین شهروندان یهود و عرب جامعه اسرائیل بیگانگی قابل توجهی مشاهده می‌شود. اعراب ۲۰ درصد جمعیت اسرائیل را تشکیل می‌دهند و حرکت‌های اسلامی در میان این اجتماع به چشم می‌خورد.

نظام سیاسی اسرائیل دموکراسی پارلمانی است که در آن نخست‌وزیر در رأس حکومت قرار دارد و رئیس‌جمهور به‌طور تشریفاتی بالاترین مقام دولتی است. مجلس (کنست) رئیس‌جمهور را برای دوره هفت ساله انتخاب می‌کند. در آخرین انتخابات در مارس ۲۰۱۵ بنیامین نتانیاهو از حزب لیکود با برتری ۶ کرسی از اتحادیه صهیونیستی با گرایش چپ مرکزی پیشی گرفت و یک دولت ائتلافی تشکیل داد.

اسرائیل اقتصاد پیشرفته دارد که دولت در آن نقش اساسی ایفا می‌کند. با این حال به نظر می‌رسد اقتصاد اسرائیل پس از سال‌های رشد مداوم در حال حاضر سال‌های رکود و کاهش رشد اقتصادی را تجربه می‌کند. به گونه‌ای که رقم رشد اقتصادی آن از ۵/۸ در سال ۲۰۱۰ به رقم ۲/۸ الی ۳/۲ در سال ۲۰۱۲ رسیده است. این کاهش رشد در نتیجه رکود اقتصادی در بزرگ‌ترین بازار صادرات اسرائیل در اروپا، آمریکای شمالی و چین است. همچنین طبق گزارش سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) اسرائیل در میان ۳۴ کشور عضو این سازمان بالاترین رتبه را از حیث نابرابری درآمد‌ها دارد.

دغدغه‌های امنیتی اسرائیل

بنیامین نتانیاهو و دولت او در محاصره تهدیدات امنیتی منطقه‌ای از سوی ایران، ناآرامی‌های مربوط به کشورهای عرب همسایه به‌ویژه سوریه، عراق، لبنان و مصر و منازعه طولانی مدت با فلسطینی‌ها قرار دارد. اگرچه اسرائیل نسبت به همسایگان

خود برتری نظامی دارد، اما تغییر نظم منطقه و تهدیدات نامتقارن می‌تواند ظرفیت‌های اسرائیل برای طراحی قدرت نظامی، جلوگیری از حملات و دفاع از جمعیت و مرزهایش را تحت تاثیر قرار دهد. به نظر می‌رسد پیگیری مشی دیپلماسی توسط آمریکا با ایران، این نگرانی را در اسرائیل تشدید کرده است که آیا آمریکا می‌تواند با فاصله جغرافیایی موجود، تهدیدات بالقوه علیه اسرائیل را خنثی و مطابق اولویت‌های اسرائیل رفتار کند. بخشی از جامعه اسرائیل بر این باورند که سطح و ماهیت نفوذ آمریکا در خاورمیانه کاهش یافته است. در مقابل عده‌ای معتقدند که تعهد آمریکا به اسرائیل و دیگر متحدان منطقه‌ای آن از خلال اقدامات محسوسی چون فروش تسلیحات و همکاری دفاعی در زمینه موشکی در حال گسترش و تقویت است.

چالش‌های مربوط به ایران و همسایگان عرب: طی ۴۲ سال از آخرین جنگ اسرائیل در سال ۱۹۷۳ این کشور تهدیدات امنیتی را با اتکا به سه امتیاز دفع کرده است:

برتری نظامی سنتی

انحصار مبهم اما مسلم هسته‌ای در منطقه

روابط قانونی یا بالفعل با رهبران اقتدارگرای همسایگان عرب خود با هدف جلوگیری از جنگ دولتی.

به‌رغم اینکه برتری نظامی اسرائیل روشن است، دو امتیاز دیگر با چالش‌های استراتژیکی روبه‌رو است؛ یکی چالش هسته‌ای ایران و دیگری خطر بی‌ثباتی و تروریسم از جانب مناطق مهار نشده بدون حکومت.

دستیابی احتمالی ایران به ظرفیت سلاح‌های هسته‌ای می‌تواند شکاف‌های امنیتی اسرائیل را تشدید کند. رهبران اسرائیل ادعا کرده‌اند که حتی اگر ایران از سلاح هسته‌ای استفاده نکند و قصد استفاده یا حتی ساخت سلاح هسته‌ای نیز نداشته باشد، صرف ظرفیت آن کشور برای اقدام، قدرت بازدارندگی‌اش را افزایش خواهد داد و همین هزینه‌های مقابله اسرائیل و دیگران را با ایران و متحدانش مثل حزب‌الله و دیگر گروه‌های نظامی فلسطینی افزایش خواهد داد. از سویی اعراب به وجود آمده، دولت‌های عرب خلیج فارس را به سمت اتخاذ سیاست‌های خاموش یا موافق ایران یا تقویت ظرفیت‌های هسته‌ای خود سوق خواهد داد. همین به نوبه خود می‌تواند راه را برای نفوذ ایران و یا گسترش هسته‌ای در کل منطقه باز کند که بنیامین نتانیاهو آن را خطری بزرگ برای اسرائیل می‌داند. نگرانی‌های اسرائیل و مقامات آن در جریان پیشبرد مذاکرات هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ به خوبی خود را نشان داد. چنان‌که زمانی که مذاکره‌کنندگان در اوایل آوریل ۲۰۱۵ بر سر یک چارچوب سیاسی به توافق رسیدند، بنیامین نتانیاهو به شدت با آن مخالفت نمود و اعلام کرد که هرگونه توافق نهایی در آینده باید دربردارنده الزام ایران برای به رسمیت شناختن موجودیت اسرائیل باشد. در مقابل، باراک اوباما طی مصاحبه‌ای تاکید کرد که در چارچوب توافق، منافع اسرائیل نیز لحاظ شده است. وی در کسوت ریاست‌جمهوری آمریکا، تعهد خود به برتری نظامی کیفی (QME) اسرائیل و تمایل آن بر تعهدات بیشتر نسبت به امنیت آن را یادآور شد.

اسرائیل و ایالات‌متحده آمریکا همکاری‌های اولیه برای فروش یک بسته تسلیحاتی به اسرائیل را آغاز کرده‌اند تا به این ترتیب نگرانی‌های اسرائیل از توافق هسته‌ای ایران را تخفیف دهند. در این همکاری‌ها حفظ برتری نظامی کیفی اسرائیل مد نظر قرار گرفته است.

افزون بر موضوع ایران، خلأ امنیتی نزدیک مرزهای اسرائیل با سوریه، لبنان، صحرای سینا در مصر، عراق و لیبی نیز گسترده شده است. از آنجایی که این مناطق میزبان یا جذب‌کننده تروریست‌ها، قاچاق‌کنندگان اسلحه و مهاجران و پناهندگان هستند، می‌تواند به تهدیدی علیه امنیت اسرائیل تبدیل شوند. انتقال تسلیحات از داخل خاک سوریه به حزب‌الله لبنان از یک‌سو و استفاده حزب‌الله از فضاها شهری لبنان به‌عنوان پناهگاه، از مواردی است که اسرائیل بر آن تاکید داشته و سعی در عمومی کردن آن دارد، به این امید که بتواند تهدیداتش علیه مواضع حزب‌الله را اعتبار و رسمیت ببخشد و بازیگران بین‌المللی را

و اداری به اقدام نماید. به نظر می‌رسد اسرائیل خطر ایران، حزب‌الله لبنان و سوریه را بسیار مهم‌تر از تهدید اسلام‌گرایان سنی می‌داند، چیزی که بیانگر واگرایی میان دیدگاه‌های امنیتی اسرائیل و آمریکا نیز هست. با این حال تهدید ایجاد شده توسط دولت اسلامی عراق و سوریه این نگرانی را نزد اسرائیلی‌ها دامن زده است که پناهگاه امنی برای تروریست‌های بین‌المللی که در پی آسیب زدن به اسرائیلی‌ها و یهودیان هستند، ایجاد شود. سویه دیگر نگرانی اسرائیل از دولت اسلامی [داعش] این است که این گروه تروریستی به دنبال تضعیف و تحلیل نظم و قانون پادشاهی در اردن است، کشوری که از سال ۲۰۱۱ دور از ناآرامی‌های جهان عرب بوده است.

دیگر همسایه‌هایی که امنیت آن برای اسرائیل اهمیت حیاتی دارد، مصر است. رهبران اسرائیل که با انتخاب محمد مرسی از اخوان المسلمین نگران آینده مصر بودند، با ژنرال عبدالفتاح السیسی که در پی برکناری نظامی مرسی روی کار آمد، بسیار همراه بوده‌اند. نیروهای مصری در فعالیت نظامی تلافی‌جویانه در صحرای سینا و مرزهای آن با نوار غزه و هدف قرار دادن تونل‌های قاچاق صحرای سینا-غزه فعال بوده‌اند. به نظر می‌رسد طی دو سال گذشته استمرار و گسترش تسلیحات و نیروی نظامی بخشی از تلاش‌های نظامی گسترده مصر برای مقابله با اسلام‌گرایان نظامی و گروه‌های قبیله‌ای در سینا و شاید نظامیان فلسطینی بوده است. طبق گزارش‌ها این اقدامات با همکاری و هماهنگی اسرائیل در پی پیمان صلح دو کشور در سال ۱۹۷۹ صورت گرفت. بعد از تغییر رهبری در مصر در جولای ۲۰۱۳ اسرائیل فعالانه به دنبال جلب حمایت بین‌المللی و آمریکا از مصر بوده و مصر به دنبال ایفای نقش کلیدی در میانجی‌گری سیاسی میان اسرائیل، حماس و نظامیان فلسطینی بوده است. طی سال‌های گذشته تهدیدات موشکی از نوار غزه و صحرای سینا (توسط حماس و دیگر گروه‌های نظامی) و از لبنان (توسط حزب‌الله) علیه اسرائیل تداوم داشته است. در جلوگیری از تهدید موشکی علیه اسرائیل یا مذاکره بر سر پایان دادن به کنترل اسرائیل بر نوار غزه و اطراف آن پیشرفت اندکی صورت گرفته است. اگرچه با تخریب گسترده تونل‌های قاچاق توسط مصر، روند تامین مهمات نظامی فلسطینیان توسط حامیان آنها در پی منازعه تابستان ۲۰۱۴ کاهش یافته است.

درگیری تابستان ۲۰۱۴ سومین درگیری مهم بین اسرائیل و حماس از زمان پایان منازعه ۲۰۰۸ و ۲۰۱۲ بود. هر سه این جنگ‌ها امتحان ظرفیت نظامی، پیوستگی سیاسی داخلی و قدرت بازدارندگی اسرائیل در زمان تغییر سیاسی بوده است.

مسئله فلسطین و گزینه‌های پیش روی اسرائیل: چشم‌انداز صلح میان اسرائیل و فلسطین دست‌کم در آینده‌ای نزدیک، تیره و تار به نظر می‌رسد، چنان‌که آخرین گفتگوهای صلح میان دو طرف نیز در آوریل ۲۰۱۴ بی‌نتیجه پایان یافت. اگر عدم تحقق صلح را به معنای تشدید تنش‌ها میان دو طرف بدانیم، باید گفت که تامین امنیت یهودیانی که در مجاورت فلسطینی‌ها زندگی می‌کنند، به یکی از چالش‌های دولت اسرائیل تبدیل شده است؛ همچنان که از اواخر سال ۲۰۱۴ حملاتی موسوم به (گرگ تنها) در بیت‌المقدس توسط فلسطینی‌ها علیه اسرائیلی‌ها ترتیب داده شد. از طرفی رهبران اسرائیل تحت فشار افکار عمومی داخلی خود هستند تا بدون مورد مصالحه قرار دادن امنیت ملی و از روش‌های ممکن تعامل خود با فلسطینیان کرانه باختری و مسئولیت‌هایش در مقابل آنها را کم کند. ضمن اینکه در میان رهبران اسرائیلی برای پذیرش راه‌حل دو کشور نیز اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای معتقدند که اسرائیل در تنگنای انتخاب دموکراسی و برتری یهود گرفتار شده است و برخی از رهبران اسرائیل بر این باورند که توافق فلسطینی‌ها در کرانه باختری و نوار غزه می‌تواند جهت اجتناب از این موقعیت ضروری باشد که یهودیانی با اقلیت عددی بر اکثریت اعراب ساکن در فلسطین تاریخی حکومت کنند. از سوی دیگر برخی از رهبران اسرائیلی آشکارا خواهان ضمیمه کردن اکثریت قلمرو کرانه باختری به اسرائیل برای تضمین امنیت آن هستند، اگرچه نه الحاق و نه تاسیس یک فلسطین جدا را در آینده نزدیک میسر نمی‌دانند. در این میان برخی نیز به علاقه سنتی اسرائیل در تعهد به فرایند صلح برای اجتناب از (واقعیت یک کشور) و تداوم روابط حسنه با ایالات متحده آمریکا و جامعه

بین‌الملل اشاره کرده‌اند. اما همه اینها موجب شده است تا رهبران فلسطین ابتکار عمل را در عرصه بین‌المللی به دست بگیرند.

نگرانی از انزوای بین‌المللی و تاثیرات اقتصادی آن: اسرائیل و بسیاری از حامیانش بارها احتمال انزوای بین‌المللی اسرائیل را مطرح کرده‌اند. برخی اسرائیلی‌ها بر این باورند که انزوای بین‌المللی اسرائیل موضوعی است که توسط دشمنان کینه‌توز آن برای گسترش رویکردهای ضد اسرائیلی و ضد صهیونیستی دنبال می‌شود؛ اما تعدادی دیگر آن را نتیجه سیاست‌های اسرائیل از جمله شهرک‌سازی در کرانه باختری و قدس شرقی می‌دانند. انزوای بین‌المللی اسرائیل با سه موضوع محوری مرتبط است:

ابتکار عمل سیاسی و قانونی رهبران فلسطینی در عرصه بین‌الملل

جنبش BDS یا تحریم علیه اسرائیل

رابطه اسرائیل با اروپا و کشورهای دیگر

ابتکارات رهبران فلسطینی در صحنه بین‌المللی ظرفیت تحریک احساسات بین‌المللی در مخالفت با رهبران اسرائیل را داشته است. از جمله این ابتکار عمل‌ها موارد در ذیل قابل اشاره است:

پیش‌نویس قطعنامه شورای امنیت در حمایت از فلسطین در دسامبر ۲۰۱۴ در پی شکست مذاکرات صلح در آوریل ۲۰۱۴ که با مخالفت آمریکایی‌ها ۸ رأی از ۹ رأی مورد نیاز برای تصویب را به دست آورد.

تلاش برای عضویت و پذیرش پیمان‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی از جمله دادگاه بین‌المللی کیفری جهت پیگیری اقدامات و جنایات اسرائیل در جنگ غزه در تابستان ۲۰۱۴ و فعالیت‌های مربوط به شهرک‌سازی در کرانه باختری.

بازتاب بین‌المللی جنگ غزه در تابستان ۲۰۱۴ برای اسرائیل این بود که اسرائیل متهم به استفاده بی‌تناسب از زور در غزه شد و شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در ماه جولای به تاسیس کمیسیونی جهت بررسی خشونت‌های صورت گرفته علیه بشریت در غزه و کرانه باختری رأی داد.

تحریم اسرائیل یا کالاهای اسرائیلی چندی است که در قالب جنبش BDS توسط برخی کشورها و جوامع مدنی آنها دنبال می‌شود. از جمله اینکه صندوق‌های بازنشستگی و شرکت‌های برخی کشورهای اروپایی سرمایه‌های خود را از اسرائیل خارج کرده یا قراردادهای خود را به علت نگرانی از ارتباط این سرمایه‌گذاری‌ها با فعالیت‌های شهرک‌سازی اسرائیل لغو کرده‌اند. کنگره آمریکا در تلاش است گزینه‌های قانونی جهت محدود کردن این حرکت پیدا کند، حرکتی که گفته می‌شود می‌تواند تهدیدی برای هویت اسرائیل به عنوان یک دولت یهود باشد.

به نظر می‌رسد طی سالیان اخیر جهت‌گیری کشورهای اروپایی و برخی مناطق دیگر از جمله کشورهای آمریکای لاتین نسبت به اسرائیل دچار تحولاتی شده است. به رسمیت شناختن استقلال فلسطین توسط سوئد و واتیکان، تصمیم دادگاه عمومی اتحادیه اروپا برای خارج کردن اسم سازمان حماس از لیست سازمان‌های تروریستی و تلاش کشورهای اروپایی برای به نتیجه رساندن فرایند صلح از جمله این اقدامات است. به نظر می‌رسد صلح اسرائیل و فلسطین علاوه بر انگیزه‌های مالی برای اتحادیه اروپا، نتیجه نگرانی کشورهای عضو این اتحادیه در مورد تندروی مسلمانان اروپا نیز هست، چرا که برخی از رهبران اروپایی حل منازعه فلسطین و اسرائیل را در فرونشاندن خشم و نارضایتی مسلمانان موثر می‌دانند. دیدگاه‌های مختلفی در خصوص حمایت اروپا از فلسطین و انتقادش از اسرائیل وجود دارد؛ برخی آن را به وقایع تابستان ۲۰۱۴ و جنگ غزه مربوط می‌دانند و عده‌ای از جمله خود اسرائیلی‌ها آن را تلاش برای تضعیف اجماع جهانی برای ریشه کردن یهود آزاری تلقی می‌کنند.

تغییر رویه اتحادیه اروپا در قبال اسرائیل در روابط اقتصادی دو جانبه نیز مشهود است. اتحادیه اروپا در جولای ۲۰۱۳ دستورالعملی را تدوین کرد که طبق آن کمک مالی به سازمان‌های اسرائیلی در کرانه باختری، قدس شرقی و یا شهرک‌های بلندی‌های جولان را منع می‌کرد. همچنین پس از پایان ناموفق آخرین دور گفتگوهای توافق اسرائیل و فلسطین، اتحادیه اروپا به اسرائیل اطلاع داد که اجازه واردات مواد غذایی تولید شده در شهرک‌های یهودی‌نشین اسرائیل را نمی‌دهد و دلیل آن را به رسمیت نشناختن صلاحیت آژانس‌های بازرسی اسرائیل در شهرک‌ها عنوان کرد. از دیدگاه عده‌ای اقدامات اروپا در راستای ایجاد محرک جهت بازگشت جدی اسرائیل به گفتگوهای صلح است.

یکی دیگر از کشورهایی که در طی سال‌های اخیر رابطه چالش‌برانگیزی با اسرائیل داشته ترکیه است، به گونه‌ای که تلاش‌های آمریکا نیز برای بهبود روابط گاه بی‌نتیجه می‌ماند. پس از حمله اسرائیل به ناوگان کمک‌رسانی ترکیه به غزه، اظهارنظرهای منفی گاه و بیگاه رجب طیب اردوغان و همکاران او در رسانه‌های ترک طرفدار دولت در خصوص اسرائیل به این اختلافات سیاسی دامن زده است. اما به‌رغم دشواری‌های سیاسی دو جانبه، حجم تجارت دو جانبه در حال افزایش بوده و طبق گزارش رئیس شورای تجارت اسرائیل-ترکیه، حجم تجارت دو کشور می‌تواند بسیار بیشتر از این باشد.

مسائل کلیدی در سیاست ایالات متحده آمریکا

ایالات متحده آمریکا و اسرائیل روابط دو جانبه خود را که مبتنی بر ارزش‌های دموکراتیک مشترک، پیوندهای مذهبی و منافع امنیتی است، سال‌های سال ادامه داده‌اند. در این میان رهبران اسرائیل همواره تلاش کرده‌اند امنیت اسرائیل و ثبات منطقه برای آمریکا بیش از پیش مهم باشد و تصمیم‌گیرندگان آمریکا را به این ترغیب کنند که اسرائیل برای ایالات متحده فارغ از ملاحظات ژئوپلیتیک و ارزش‌ها و آرمان‌های مشترک، ارزش چند وجهی و اساسی دارد. به این ترتیب، تقاضاهای احتمالی آمریکا از اسرائیل را جهت جبران هزینه‌های این حمایت تخفیف دهد؛ تقاضاهایی که می‌تواند شامل تمکین و تسلیم بیشتر اسرائیل و هماهنگی با ایالات متحده در اقدام نظامی و سیاست منطقه‌ای باشد. البته در سال‌های اخیر هماهنگی و توازن سیاست‌های دو کشور با چالش‌هایی مواجه بوده و دو طرف بر سر موضوعاتی چون برنامه هسته‌ای ایران و توافق صلح با فلسطین اختلاف نظرهایی داشته و منتقد سیاست‌های یکدیگر در این زمینه بوده‌اند و اگرچه این انتقادات در اظهارات مقامات دو کشور نمود داشته، همکاری‌های دو جانبه در زمینه مسائل دفاعی، تجارت و انرژی همچنان به قوت خود باقی است.

همکاری‌های امنیتی: همکاری دو کشور در زمینه دفاعی شامل کمک‌های نظامی، فروش تسلیحات، عملیات مشترک، تبادل اطلاعات و همکاری‌های صنعتی جهت توسعه تکنولوژی نظامی است. کمک‌های نظامی آمریکا، نیروی نظامی اسرائیل را به یکی از پیچیده‌ترین نیروهای نظامی به لحاظ تکنولوژیک تبدیل کرده است که برتری نظامی کیفی اسرائیل در منطقه حفظ شده و اسرائیل با ایجاد یک صنعت داخلی دفاعی به یکی از ده صادرکننده برتر تسلیحات نظامی در منطقه تبدیل شده است. همکاری‌های امنیتی آمریکا با اسرائیل از مجرای تصویب قوانین مربوط به حمایت از اسرائیل در کنگره آمریکا، اتخاذ تدابیری از سوی آمریکا برای حفظ برتری نظامی کیفی اسرائیل در منطقه، تضمین‌های امنیتی، کمک‌های نظامی و فروش تسلیحات، و همکاری در زمینه سامانه موشکی سپر آهنی صورت می‌گیرد. طی سه سال گذشته کنگره آمریکا دو قانون در زمینه همکاری مستمر و گسترده با اسرائیل تصویب کرده است؛ یکی، قانون افزایش همکاری امنیتی آمریکا-اسرائیل که در جولای ۲۰۱۲ تصویب شد و دیگری قانون همکاری استراتژیک آمریکا-اسرائیل که در دسامبر ۲۰۱۴ به تصویب رسید. قانون مربوط به سال ۲۰۱۲ شامل افزایش همکاری‌های عملیاتی، اطلاعاتی و سیاسی-نظامی، تسریع در فروش انواع خاصی از تسلیحات و کمک‌های جانبی برای برنامه‌های دفاع موشکی مشترک می‌شود. قانون همکاری استراتژیک آمریکا-اسرائیل، اسرائیل را شریک استراتژیک ایالات متحده آمریکا می‌داند و بر توسعه قدرت ذخایر جنگی اسرائیل، گسترش همکاری‌های دو جانبه

در زمینه مسائل سایبری، دادن مجوز تجارت استراتژیک به اسرائیل و برنامه‌ها و طرح‌های تحقیقاتی مشترک دو جانبه صحنه می‌گذارد.

دولت‌های متعدد آمریکا همواره این بحث را مطرح کرده‌اند که فروش تسلیحات از سوی آمریکا به اسرائیل سازوکاری مهم برای اداره و رفع نگرانی‌های امنیتی اسرائیل است. در مقابل، برخی اعضای کنگره اعتقاد داشتند که فروش سلاح‌های نظامی ویژه به کشورهای عربی می‌تواند برتری نظامی کیفی اسرائیل بر همسایگانش را در منطقه از بین ببرد. با چنین استدلالی، کنگره آمریکا در سال ۲۰۰۸ قانونی با این مضمون تصویب نمود که در فروش تسلیحات آمریکا به هر کشوری در خاورمیانه به جز اسرائیل، باید این اطمینان خاطر به کنگره داده شود که فروش یا صدور چنین تسلیحاتی، برتری نظامی کیفی اسرائیل بر تهدیدات نظامی را تحت تاثیر قرار نمی‌دهد (قانون QME). پس از تصویب این قانون کارگروه دو جانبه‌ای تشکیل شد که این اجازه را به اسرائیل می‌داد تا در مورد فروش تسلیحات پیشنهادی آمریکا در منطقه اظهار نظر نماید. گزارش‌ها نشان می‌دهد در سال ۲۰۱۵ پیشنهاد آمریکا برای فروش سلاح‌های پیشرفته به کشورهای عربی در واکنش به نگرانی‌های منطقه‌ای در مورد توافق بین‌المللی احتمالی با ایران، واکنشی از سوی اسرائیل در پی نداشت. ممکن است مقامات اسرائیلی فروش سلاح از سوی آمریکا به کشورهای خلیج فارس را به نفع خود بدانند، چرا که موجب می‌شود اسرائیل بتواند با استناد به لزوم برتری نظامی کیفی در منطقه، سلاح‌های بسیار پیشرفته‌تری دریافت کند.

اگرچه هیچ پیمان یا توافق دفاعی دو جانبه که دربردارنده تضمین‌های رسمی امنیتی از جانب آمریکا باشد، میان اسرائیل و آمریکا وجود ندارد، اما دولت‌های آمریکا آشکار و نهان تاکید کرده‌اند که ایالات متحده آمریکا در صورت وجود تهدیدات ویژه علیه اسرائیل، تمهیدات دفاعی تدارک خواهد دید. هر دو مجلس آمریکا نیز در خصوص حق اسرائیل برای دفاع از خود و تلاش‌های آمریکا جهت تقویت ظرفیت دفاعی اسرائیل، قطعنامه‌هایی صادر کرده‌اند. البته، برخی مقامات اسرائیل تمایل چندانی به وجود تضمین‌های امنیتی از سوی آمریکا ندارند، چرا که معتقدند وجود چنین تضمین‌ها و ترتیباتی می‌تواند آزادی عمل اسرائیل را محدود نماید و اسرائیل را مجبور به چشم‌پوشی از توانایی‌های مستقل خود کند. ضمن اینکه این نگرانی وجود دارد که آمریکا به تعهدات خود عمل ننماید.

یکی از مهم‌ترین شیوه‌های همکاری نظامی آمریکا با اسرائیل، اعطای کمک‌های خارجی است. بنا بر گزارش‌ها اسرائیل بزرگترین دریافت‌کننده کمک‌های خارجی ایالات متحده آمریکا از زمان جنگ جهانی دوم است که از سال ۲۰۰۴ گهگاه عراق و افغانستان جایگزین آن شده‌اند. در گذشته، اسرائیل کمک‌های اقتصادی قابل توجهی دریافت می‌کرد اما اکنون تقریباً تمام کمک‌های دو جانبه آمریکا به اسرائیل در قالب سرمایه‌گذاری نظامی خارجی (FMF) صورت می‌گیرد. میزان سرمایه‌گذاری‌های نظامی خارجی آمریکا در اسرائیل تقریباً نصف کل سرمایه‌گذاری خارجی آمریکا و ۲۰ درصد بودجه نظامی اسرائیل است.

ایالات متحده همچنین کمک‌های سالانه مدارس و بیمارستان‌های آمریکایی (ASHA) و کمک‌های مربوط به مهاجرت را نیز به اسرائیل تخصیص می‌دهد. از سال ۲۰۱۵ با تصویب قانون گسترش همکاری امنیتی اسرائیل و آمریکا تضمین‌هایی در خصوص وام و اعتبارات و کمک‌های غیرمستقیم نیز برای اسرائیل در نظر گرفته شده است.

بخشی از کمک‌های آمریکا به اسرائیل مربوط به سیستم سامانه موشکی سپر آهنی اسرائیل و برنامه‌های مربوط به دفاع موشکی دو جانبه می‌شود. در دوران جنگ غزه در تابستان ۲۰۱۴ وزیر دفاع آمریکا (چاک هیگل) طی نامه‌ای به کنگره اعلام کرد که اسرائیل برای سپر آهنی خود تقاضای ۲۲۵ میلیون دلار کمک نموده و از اعضای کنگره تقاضای حمایت کرد. این تقاضا با تصویب قطعنامه‌هایی با عنوان قطعنامه تسهیلات مکمل ضروری از سوی کنگره پاسخ داده شد.

مسائل مربوط به اسرائیل-فلسطین: دیپلماسی فرایند صلح میان اسرائیل و فلسطین، بیت المقدس و شهرک سازی توسط اسرائیل سه محور عمده مسائل مربوط به اسرائیل و فلسطین است که هر سه در پیوند با یکدیگر قرار دارند. از زمان جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۶۷، چارچوب زمین برای صلح و راه حل دو دولت بنیان سیاست آمریکا در قبال مسئله اسرائیل و فلسطین بوده است. در حالی که اسرائیلی ها هرگونه توافق را منوط به دست کشیدن فلسطینی ها از کرانه باختری و غزه می دانند، رهبران فلسطینی و حاکمان کشورهای عربی در صورت واگذاری کرانه باختری، غزه و بیت المقدس به اسرائیل با چالش افکار عمومی خود مواجه هستند. در سایه چنین اختلاف نظرهایی، فرایند مذاکرات صلح همواره پر نشیب و فراز بوده است. در طول دو سال نخست ریاست جمهوری باراک اوباما و نخست وزیر بنیامین نتانیا هو، آمریکا تلاش کرد تا اسرائیل را از ساخت و ساز شهرک ها در طول خط آتش بس ۱۹۶-۱۹۴۹ (خط سبز) باز دارد، که این تلاش ها چندان موفق نبود و به تداوم معنادار مذاکرات منجر نشد. طی دو سال آتی محمود عباس، رئیس سازمان آزادی بخش فلسطین، ابتکار عمل را در خارج از فرایند مذاکرات در دفاتر و نهادهای وابسته به سازمان ملل در دست گرفت. این ابتکارات با هدف افزایش مشروعیت بین المللی تقاضای فلسطین در مورد حاکمیت مستقل در کرانه باختری و غزه بود. نتیجه چنین اقداماتی این بود که مجمع عمومی سازمان ملل با تصویب قطعنامه ای در نوامبر ۲۰۱۲ وضعیت ناظر دائم سازمان آزادی بخش فلسطین را به عنوان «موجودیت» به «دولت غیر عضو» تغییر داد. یک سال پیش از آن نیز سازمان آزادی بخش فلسطین موفق به عضویت در سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل شده بود. این ابتکار عمل ها دست کم موجب بهبود موقعیت فلسطین در مذاکرات و اعمال فشارهای سیاسی و اقتصادی بر اسرائیل می شود.

در مجموع اختلافات اساسی، اسرائیل و فلسطین را از رسیدن به یک توافق باز می دارد. عدم تمایل محمود عباس برای شناسایی صریح اسرائیل به عنوان (دولت ملت یهود)، چگونگی ترتیبات جدید در مرز دره اردن، کرانه باختری، مشاجره بین طرفین بر سر معاوضه زمین و اتهامات دو جانبه از جمله مسائل مناقشه برانگیز میان دو طرف است.

در نهایت اینکه آینده مذاکرات صلح اسرائیل و فلسطین با سوالات متعددی روبه رو است، از جمله اینکه: منازعات اخیر، تقابل دیپلماتیک و تنش های مداوم بین اسرائیلی ها و فلسطینیان چگونه چشم انداز مذاکرات و راه حل دو دولت را تحت تاثیر قرار خواهد داد؟

آیا حکومت فلسطین که در ژوئن ۲۰۱۴ با اجماع فتح و حماس شکل گرفت، می تواند تداوم یابد و با همکاری سازمان آزادی بخش فلسطین با اسرائیل مذاکره کند؟

آیا آمریکا چارچوبی برای موضوعات مهم منازعه مطرح خواهد کرد که به معنای پیشبرد فرایند صلح باشد و اگر چنین است، چه زمانی؟ همچنین ایالات متحده چگونه تلاش های یک جانبه توسط اسرائیل و فلسطین و همچنین تلاش های سایر بازیگران یا سازمان های بین المللی را اداره خواهد کرد؟

تلاش فرانسه برای تصویب قطعنامه هایی در شورای امنیت سازمان ملل در سپتامبر سال ۲۰۱۵ از جمله اقداماتی بود که وابسته به رضایت آمریکا بود و چنان که توسط یکی از مقامات وقت آمریکا اظهار شد، این کشور در تلاش بود تا در کنار موضوع مذاکره با ایران، جبهه دومی باز نکند. ضمن اینکه پیشنهادات فرانسه متضمن مواردی بود که خلاف نظر آمریکا بود، از جمله اینکه اسرائیل را به صراحت به عنوان دولت یهود به رسمیت نمی شناخت.

از دیگر مسائل مربوط به موضوع اسرائیل و فلسطین، بیت المقدس است که اسرائیل، قدس شرقی و برخی از حومه های آن در مجاورت کرانه باختری را اندکی پس از اشغال نظامی این مناطق در جنگ ۱۹۶۷ ضمیمه خود کرده است. با این اقدام، اسرائیل این مناطق اشغال شده را که عمده جمعیت آن عرب بود، به بخش غربی شهر که کنترل آن را از سال ۱۹۴۸ در دست دارد، متصل کرده است. اسرائیل کل این منطقه را پایتخت ابدی و غیر قابل تقسیم خود می داند. در حالی که فلسطینی ها

قدس شرقی را پایتخت کشور آینده خود تصور می‌کنند. از سوی دیگر، دولت‌های متعدد آمریکا از هر دو حزب سیاسی از سال ۱۹۴۸ به این سو، تصریح کرده‌اند که در مورد آینده بیت‌المقدس باید طی مذاکراتی تصمیم‌گیری کرد و دو طرف را از اقداماتی که نتیجه نهایی مذاکرات را متاثر کند، بر حذر داشته‌اند. با این حال، مجلس نمایندگان و سنا، هر دو قطعنامه‌ای تصویب کرده و از دولت کلینتون خواسته‌اند تا تأیید کند که بیت‌المقدس باید پایتخت غیر قابل تقسیم اسرائیل باقی بماند. در همین رابطه احتمال تغییر مکان سفارت آمریکا از تل‌آویو به بیت‌المقدس یکی از موضوعات مورد بحث بوده است. موافقان این طرح چنین استدلال می‌کنند که اسرائیل تنها کشوری است که سفارت آمریکا در آن در پایتختی که توسط کشور میزبان شناسایی شده، قرار ندارد. در مقابل مخالفان معتقدند که چنین جابه‌جایی آینده مذاکرات و اعتبار آمریکا نزد فلسطینی‌ها و جهان اسلام را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. در سال ۱۹۹۵ قانون سفارت بیت‌المقدس برای جابه‌جایی سفارت آمریکا تا ۳۱ می ۱۹۹۱ توسط کنگره به تصویب رسید اما رؤسای جمهور اختیار داشتند که محدودیت‌هایی بر هزینه‌های وزارت امور خارجه در صورت انتقال سفارت اعمال کنند. به این ترتیب کلینتون، بوش و اوباما این محدودیت در هزینه را اعمال کرده و مانع انتقال پایتخت شدند. کنگره‌های متعدد آمریکا (۱۴۵ کنگره) و اعضای آن، گونه‌های مشابهی از قانون سفارت بیت‌المقدس و شناسایی را مطرح یا قطعنامه‌ها و لویحی در این خصوص داده‌اند. چنین لویحی و قطعنامه‌هایی در پی تغییر مکان سفارت و حذف اختیار رئیس‌جمهور برای تعلیق هزینه‌های وزارت امور خارجه بوده‌اند.

اقدام اسرائیل در خصوص شهرک‌سازی در کرانه باختری و قدس شرقی از دیگر موضوعات مرتبط با فلسطین است. حدود ۳۴۰ هزار نفر اسرائیلی در شهرک‌های کرانه باختری و نزدیک ۲۰۰ هزار نفر در قدس شرقی زندگی می‌کنند. نخستین شهرک‌سازی‌ها در کرانه باختری در پی جنگ ۱۹۶۷ آغاز شد، اما مهم‌ترین آنها در اواخر دهه ۱۹۷۰ با ظهور جنبش گاش‌آمونیم (بلوک وفاداری) و پیروزی انتخاباتی مناخیم بگین از حزب لیکود در سال ۱۹۷۷ آغاز شد. طبق گزارش نیویورک تایمز، رشد جمعیت ساکن در شهرک‌ها از سال ۱۹۹۹ بیش از دو برابر رشد جمعیت اسرائیل بوده است. اسرائیلی‌هایی که مدافع مشروعیت شهرک‌سازی هستند، اغلب ترکیبی از توجیهات قانونی، تاریخی، استراتژیک، ملی‌گرایانه یا مذهبی را ارائه می‌کنند. جامعه بین‌الملل عموماً ساخت‌وسازهای اسرائیل و رای خط سبز را غیرقانونی می‌دانند. فلسطینی‌ها در مخالفت با شهرک‌سازی‌های اسرائیل به ساخت دیوار حایل توسط اسرائیل در کرانه باختری اشاره می‌کنند، چرا که این خط حایل آنها را از قدس شرقی جدا می‌کند و در برخی جاها زمین‌های آنها و اجتماعشان را به دو نیم می‌کند. عده‌ای معتقد هستند اسرائیل با ساخت دیوار حایل که خط سبز را دنبال می‌کند، اما در برخی نقاط از آن جدا می‌شود، به دنبال تعیین یک‌جانبه مرز بین اسرائیل و دولت آینده فلسطین است. سیاست آمریکا در مورد شهرک‌سازی اسرائیل از سال ۱۹۶۷ متفاوت بوده است. تا دهه ۱۹۸۰ دولت‌های متعدد تلویحاً یا آشکاراً شهرک‌سازی را مغایر حقوق بین‌الملل یا برخی رؤسای‌جمهور مثل کارتر آن را غیرقانونی دانسته‌اند. اما از دهه ۱۹۸۰ به این سو عموماً از اظهارنظر در مورد قانونی بودن شهرک‌سازی‌ها اجتناب کرده‌اند، اگرچه یک موضع مشترک همواره این بوده است که شهرک‌سازی‌ها را مانعی برای صلح دانسته‌اند. برای دولت اوباما نیز موضع‌گیری در خصوص شهرک‌سازی‌ها چالش‌برانگیز بوده است. وی در ادامه تلاش‌های خود برای آغاز مجدد فرایند صلح از اسرائیل خواسته است تا تمام فعالیت‌های شهرک‌سازی خود را از جمله در قدس شرقی متوقف کند. با این حال، در فوریه ۲۰۱۱ آمریکا پیش‌نویس قطعنامه‌ای در شورای امنیت سازمان ملل را که شهرک‌سازی در کرانه باختری و قدس شرقی را غیرقانونی اعلام می‌کرد، وتو کرد. در دسامبر ۲۰۱۴، ۴۸ عضو کنگره طی نامه‌ای به رئیس‌جمهور خواهان شفاف‌سازی در خصوص گزارش رسانه‌ها مبنی بر احتمال برداشتن قدم‌هایی از سوی دولت آمریکا علیه اسرائیل در واکنش به ساخت شهرک‌ها شدند.

به‌رغم مخالفت‌های بین‌المللی، به نظر می‌رسد ساختار جامعه و سیاست‌های اسرائیل به گونه‌ای است که کمتر متأثر از عوامل بیرونی است. چنان‌که ساکنین شهرک‌ها نیز به روش‌های مختلف، محاسبات دیپلماتیک رهبران اسرائیل را تحت تاثیر قرار می‌دهند. آنها با تاثیرگذاری بر بلوک‌های رأی‌گیری کلیدی و مهم در سیستم پارلمانی ائتلاف‌محور، تحرکات و اقدامات خیانت‌آمیز برای دامن زدن به اعتراض‌های عمومی و حتی خشونت سعی در تاثیرگذاری بر تصمیمات رهبران اسرائیل در خصوص سیاست شهرک‌سازی دارند. ضمن اینکه آنان خود را حامیان سمبلیک، احساسی و حتی روحی و معنوی مرزهای کشور می‌دانند.

یکی دیگر از مسائل مرتبط با شهرک‌سازی‌ها، آینده ساکنان یهودی ساکن در این شهرک‌ها در صورت شکل‌گیری کشور فلسطین است، چرا که روشن نیست در این صورت آیا آنان علاقه‌مند به زندگی در مرزهای دولت جدید خواهند بود یا به داخل اسرائیل نقل مکان خواهند کرد. تامین امنیت اسرائیلی‌هایی که بخواهند داوطلبانه در کشور فلسطین زندگی کنند، بسیار پیچیده خواهد بود.

تکنولوژی و اطلاعات دفاعی حساس: فروش تسلیحات و اطلاعات و توسعه مشترک تکنولوژی بین آمریکا و اسرائیل این سوال را مطرح کرده است که اسرائیل با ظرفیت‌ها و اطلاعاتی که به دست می‌آورد، چه می‌تواند بکند. قانون کنترل صادرات تسلیحاتی (AECA) و مقررات مربوط به اجرای آن، به فروش تسلیحات یا ملزومات دفاعی آمریکا به اسرائیل و دیگر کشورها مربوط می‌شود. بخش سوم این قانون تصریح می‌کند که دولت‌های خارجی جهت حفظ مطلوبیت خرید تسلیحات، آموزش و خدمات دفاعی آمریکا باید توافق کنند که سلاح‌های خریداری‌شده یا آموزش‌های کسب کرده را به جز در مواردی که در قانون اجازه دارند، استفاده نکنند و یا آن را به کشور ثالث منتقل نکنند.

یکی از موضوعات حساس در رابطه نظامی آمریکا و اسرائیل، فروش تسلیحات توسط اسرائیل به کشورهای دیگر است. اگرچه اسرائیل یکی از صادرکنندگان مهم تسلیحات است ولی دو کشور بارها در خصوص فروش تجهیزات و تکنولوژی‌های امنیتی حساس اسرائیل به کشورهای مختلف و به‌ویژه چین بحث کرده‌اند. در سال ۲۰۰۵ دو کشور تفاهم‌نامه‌ای جهت امنیت تکنولوژی به امضا رساندند و در پی آن گفتگوهای استراتژیک دو جانبه که پیشتر به تعلیق در آمده بود، از سر گرفته شد. بر اساس این تفاهم‌نامه آمریکا می‌توانست در صورتی که فروش تسلیحات به کشوری را به ضرر منافع امنیت ملی خود بداند آن را وتو کند.

فروش تجهیزات دفاعی آمریکا به اسرائیل موضوع توافق‌نامه AECA و توافق‌نامه دو جانبه کمک دفاعی در ۱۹۵۲ بوده است. یکی از مسائل مهم در این زمینه در توافق‌نامه ۱۹۵۲ مورد اشاره قرار گرفته و آن اینکه دولت اسرائیل این اطمینان را به آمریکا می‌دهد که تجهیزات، لوازم یا ملزوماتی را که از آمریکا دریافت می‌کند، صرفاً برای حفظ امنیت داخلی اسرائیل و دفاع مشروع از خود استفاده کند و نه علیه کشورهای دیگر. گاه گزارش‌هایی در آمریکا منتشر شده که نشان می‌داد اسرائیل تجهیزات دفاعی مربوطه را خارج از چارچوب در توافق مذکور به کار گرفته است. آخرین نمونه چنین گزارش‌هایی در ژانویه ۲۰۰۷ در رابطه با نگرانی آمریکا از استفاده اسرائیل از مهمات خوشه‌ای در طول جنگ علیه حزب‌الله لبنان در سال ۲۰۰۶ به کنگره ارسال شد.

جاسوسی و موارد مرتبط با آن، از دیگر مسائل حساس بین آمریکا و اسرائیل است. در طی ۳۰ سال گذشته دست‌کم سه مورد بوده است که طی آن کارکنان دولت آمریکا به افشای اطلاعات مهم به اسرائیل یا توطئه به‌عنوان عامل اسرائیل محکوم شده‌اند. گزارش‌ها حاکی از آن است که نگرانی در مورد جاسوسی اسرائیل مورد تاکید مقامات آمریکاست. چنان‌که قانون همکاری استراتژیک اسرائیل و آمریکا که در صد و سیزدهمین کنگره آمریکا مطرح شد، موضوع لغو روایت بین دو کشور

آمریکا و اسرائیل را در دستور کار خود داشت. جامعه اطلاعاتی و مقامات بخش‌های امنیت سرزمین در مقابل این استدلال را مطرح کردند که لغو روادید ایالات متحده را در برابر جاسوسی اسرائیل آسیب‌پذیر می‌کند.

وضعیت هسته‌ای اسرائیل: طبق گزارش‌ها اسرائیل زرادخانه‌ای با ۸۰ الی ۲۰۰ سلاح هسته‌ای دارد. با این حال، طبق توافق دو جانبه میان آمریکا و اسرائیل در سال ۱۹۶۹ هرگز اطلاعات مربوط به زرادخانه هسته‌ای اسرائیل افشا نخواهد شد. برخی اعضای جامعه بین‌الملل معتقد هستند وضعیت مبهم هسته‌ای اسرائیل مانعی برای پیشبرد اهداف منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای است. ضمن اینکه اسرائیل نه عضو پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) است و نه کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی را تصویب کرده است. وقایع و تحولات اخیر در ایران و سوریه بار دیگر توجه بین‌المللی را به زرادخانه هسته‌ای اسرائیل جلب کرده است. مقامات اسرائیل نیز به دلیل داشتن انگیزه‌های مشترک با کشورهای عربی در سال ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ با مقامات کشورهای عرب دیدارهایی داشته‌اند تا در خصوص منطقه‌ای عاری از سلاح‌های هسته‌ای مذاکره کنند، اگرچه این مذاکرات به دلیل عدم توافق بر سر اولویت دادن به موضوع صلح اعراب و اسرائیل یا خلع سلاح بی‌نتیجه پایان یافت. در سال ۲۰۱۵ نیز اسرائیل برای نخستین بار به‌عنوان عضو ناظر در کنفرانس بررسی NPT شرکت کرد. پیش‌نویس بیانیه‌ای با موضوع منطقه‌ای عاری از سلاح‌های کشتار جمعی که توسط مصر پیشنهاد و مطرح شده بود، از سوی آمریکا و کانادا در حمایت از موضع اسرائیل رد شد.

مسائل مربوط به تجارت دو جانبه: طبق اطلاعات کمیسیون تجارت بین‌الملل آمریکا، اسرائیل بیست و چهارمین شریک تجاری آمریکاست. دو کشور در سال ۱۹۵۸ توافق تجارت آزاد (FTA) را امضا کردند که تمام موانع گمرکی بین شرکای تجاری دو طرف برداشته شد. صادرات اسرائیل به ایالات متحده از زمان توافق تجارت آزاد افزایش چشم‌گیری داشته است. مناطق صنعتی واجد شرایط در اردن و مصر به‌عنوان بخشی از مناطق تجارت آزاد آمریکا-اسرائیل لحاظ شده است.

در سال ۲۰۱۳ اسرائیل حدود ۱۵ میلیارد دلار واردات کالا از آمریکا و در مقابل ۲۳ میلیارد صادرات بر این کشور داشته است. دو طرف با حمایت مالی کنگره برنامه‌هایی در خصوص انجام تحقیقات علمی و صنعتی در اسرائیل دارند.

منابع این مقاله در دفتر فصلنامه موجود است. این گزارش خلاصه‌ای انتقادی از متن تفصیلی در مورد برآورد راهبردی اسرائیل است و در نشانی زیر قابل مطالعه می‌باشد:

Congressional Research Service, Available at: www.crs.gov